

کتاب فارسی

بیاید به فکر گل‌ها باشیم و در اندیشه‌ی کودکانمان که با خستگی تکرار درس‌ها و اضطراب نمره، ذهن‌شان آرام، آرام از خاطرات سبز کودکی تهی می‌شود. بیاید به فکر ماهی‌ها باشیم که بی‌آب نابود می‌شوند و در اندیشه‌ی فرزندانمان که بی‌باور خویش...

بیاید با خواسته‌های حقیر خویش، فرزندانمان را به بیراهه غربت و بی‌خویشی نفرستیم.

و بگذاریم دست‌هایشان را در باغچه بکارند و ببینند روزی را که، سبز خواهند شد و پرستوهای دانایی، در گودی انگشتان جوهریشان تخمی از شوق کشفی نو خواهند گذاشت.

شادی یک قطره باران

کتاب فارسی جدید را با شادی بسیار به دست گرفتیم، شادی دگرگونی و نو شدن، شادی پاسخ گفتن به نیازهای بچه‌های امروز.

و هم‌چنان با شادی کتاب را گشودم، ورق زدم، یک بار، چند بار، بارها و بارها پس، آن‌گاه از برگ برگش، کپی گرفتم و این بار به روی هر یک مکت کردم، با حوصله و علاقه و با پشتوانه تجربه سال‌های سال، کار با پسر بچه‌های کلاس اول میدان شوش.

ساعت‌های زیادی گذشت و این بار دیدم:

شادی یک قطره باران

اندوه آن قطره در مرداب

و به گمانم رسید، برای تهیه کتاب جدید، پیش از هر چیز، کارشناس علمی ضعف‌های کتاب موجود و ارائه تصویر واقعی از خواسته‌های بچه‌های امروز لازم بوده تا بودجه و وقت این‌گونه به هدر نرود. چرا که در:...

بخش اول نگاره‌ها (ص ۲ تا ۴۰)

شامل ۱۰ شعر، ۹۷ کلمه با تصویرش که در قالب چهار درس آمادگی گنج‌نیده شده است، می‌باشد و هم‌چنین کارهایی با بچه‌ها با عنوانهای «گوش کن و بگو، ببین و بگو، بگرد و پیدا کن، به دوستانت بگو و بازی و نمایش». که جای بیشتر این‌ها به غیر از «ببین و بگو» در کتاب دانش‌آموز نیست و لزومی ندارد باشد، چرا که کارهایی است که معلم باید بداند و انجام دهد و می‌تواند در کتاب کار معلم قرار بگیرد.

یکی از شعرهای آن تا حدودی مناسب و بقیه فاقد قالبی زیبا و محتوایی گویاست، که در بعضی از آن‌ها حتی مفهومی نامناسب وجود دارد. شعرها دست‌کاری شده و فاقد نام شاعر می‌باشد، که این امری است خلاف اخلاق و صداقت.

از ۹۷ تصویر چهار درس، ۸۷ تصویر غیر تکراری است و علت وجودی آن‌ها روشن نیست؛ چرا که نه پیش‌نیاز بخش دوم به نظر می‌آید و نه مناسب آشنا کردن گوش دانش‌آموزان به اصوات و تشخیص کلمات هم‌آغاز و هم‌پایان، نه از جذابیتی برخوردار است و نه بر معلومات کودک می‌افزاید، به هر حال بخش نگاره‌ها با این کمیت و کیفیت به گونه‌ای نیست که کودک از آن چه که می‌بیند و آن چه که می‌شناسد و می‌داند به کشف جدیدی برسد و از آموختن لذت ببرد. صفحاتی شلوغ و درهم، که در عین حال در جاهایی رنگ‌آمیزی خوبی دارد. گویی کودک را در چرخ فلکی نشانده‌اند و در همان حال می‌خواهند به او غذای مورد نیازش را (بی‌آن‌که خوشمزه باشد) بخوراند، طفلک وقتی پیاده می‌شود. از همه آن لحظه‌ها، برایش سرگیجه و دل بهم خوردگی مانده است، بی‌آن‌که از غذا و بازی، لذت و بهره‌ای برده باشد. نگاه می‌کنیم به:

ص ۲ در زیر تصاویر زن و مرد نوشته شده است: «مادر، بابا» در حالی که در کلام مادر، پدر یا مامان، بابا دارای تناسب بیشتری است. پسر «ایمان» معرفی شده

○ محبوبه علیزاده



بیشتر آزار دهنده است تا زیبا و با درهم‌ریختگی بسیار، خرگوش را در بالای قفس پلنگ ببینید و به شیرهای بیچاره نگاه کنید که چگونه زشت نشان داده شده‌اند و بیشتر به شیر سنگی شبیه هستند.

ص ۳۰، به جای این که صفحه‌ای را در کتاب دانش آموز اشغال کند، چرا در کتاب کار معلم قرار نگیرد؟

ص ۳۱، و باز همان تکرار صفحه شلوغ و نابسامان، مسجد در بالای لوستر، و کلمه‌هایی که در زیر تصاویر در جاهایی نامناسب از صفحه قرار گرفته و معلوم نیست چگونه آموزشی را به دانش آموز می‌دهد؟

ص ۳۳، در شعر آمده است: «آذان می‌گن دوباره» آیا آوردن کلمه‌های شکسته در کتاب درسی ایرادی ندارد؟

ص ۳۴، و در این صفحه، مانند صفحات درس‌های پیش همان شلوغی و درهم‌ریختگی به چشم می‌خورد.

ص ۳۷، نام شعر: «شعر میوه‌ها» که در آن گفته شده، بلال دارم ای بلال، آیا بلال جزو میوه‌ها به شمار می‌آید و یا در جایی که: «سیب نگو آفتاب است» دارای چه نوع معنی و چه تشبیهی است؟ شعر بودنش حدیث دیگری است که بماند برای شعرشناس‌ها.

بخش دوم نشانه‌ها (ص ۴۲-۶۹)

آشناقتی، در این بخش هم ادامه دارد، به گونه‌ای که نه تنها کودک، که معلم او نیز کاملاً سردرگم می‌شود، روش آمیخته که به روش باغچه‌بان شهرت دارد و به مراتب اصولی‌تر و علمی‌تر است، به کار گرفته نشده و به جای آن هیچ روش دیگری هم به شکل اصولی ارائه نشده که کودک امروز را جذب کند و نیازهای او را برآورده سازد، در حالی که کتاب فعلی با تمام کاستی‌هایش روش مند بوده و با این دو اثر (باغچه‌بان) دانش آموز به راحتی توانایی خواندن و نوشتن را در عرض حداکثر ۶ ماه (طبق تحقیق جهانی یونسکو) به دست می‌آورد. انتظار این بود که کتاب جدید در راستای پیشرفت جامعه گام برداشته و دارای ساختاری نو شود.

تلاشی که برای ادبی کردن درس‌ها شده است، می‌توانسته بسیار مفید باشد، اما متأسفانه فاقد جذابیت بوده و حتی در بعضی قسمت‌ها با نکاتی نادرست همراه است.

و هم‌چنین در زمانی که مطبوعات، کتاب‌ها، رسانه‌ها و یارانه‌ها هم از خط چاپی (نسخ مطبوعه‌ای) برای خواندن بهره می‌گیرند، در این کتاب اصرار می‌شود دانش‌آموزان از همان ابتدا، خط تحریری را که دشوارتر بوده و نیاز به تمرین



و دختر که گویی، اصلاً به حساب نیامده تا در جمع خانواده معرفی شود.

ص ۳، در قسمت «بگرد و پیدا کن»، به برادر و آزاده اشاره شده است که برای دانش‌آموز روشن نیست و پیش‌زمینه‌ای برای معرفی آن، وجود نداشته است.

ص ۴، باز عدم رعایت تناسب جملات «مهربان‌تر از مادر»، «مهربان‌تر از بابا» و در تصویر خورشید و ماه کوچک و در پایین قرار دارد و بچه‌ها و خرگوش با نسبتی بزرگتر در بالای صفحه که چندان متناسب به نظر نمی‌رسد.

ص ۵، دختر (آزاده) تازه در این صفحه معرفی شده و «ایمان» صفحه ۲، در این صفحه به «امین» تغییر نام داده است. شلوغی صفحه شدیداً به چشم می‌آید.

ص ۷، عنوان شعر، «پدر من دریاست»، جمله‌ای نارسا برای کودک است و «بابا

آمد نان آورد، با او روشن شد خانه»، تا این حد مطلق کردن و پررنگ نشان دادن پدر، به چه هدفی است؟ آیا به روحیه بچه ۶ ساله‌ای که از این نعمت محروم است توجهی شده، که این همه روی موضوع پدر و مادر تکیه شده است. و همین طور در این شعر آمده است، «رفتم در را وا کردم»، آیا در کتاب رسمی درسی مجاز به استفاده از کلماتی به این شکل هستیم؟

ص ۱۱، باز هم شعری از همان دست و باز عنوان کردن پدر و مادر، به راستی چه هدفی دنبال می‌شود؟

ص ۱۲، شلوغی و نابسامانی صفحه، بی‌تناسبی پرچم‌ها در تصویر و آبی که بی‌استفاده از شیرها جاری است.

ص ۲۱، باز هم شعری دیگر که عروسک بودن، نماد نوعی زیبایی است و مترادف با بور بودن و معرفی بچه‌ای با این ویژگی، نمایانگر چه هدفی است؟

ص ۲۲، اشتباهی علمی در تصویر، خرچنگ دریایی در کنار رودخانه یا برکه.

ص ۲۴، «یک درخت این‌جا، یک درخت آن‌جا» این یکی سیب است، آن هم انگور است.

دو سه تا گنجشک، آمدند اینجا. به سیب و انگور، نوک زدند آن‌ها، معلوم نیست گنجشک که این‌جاست چگونه توانسته نوک به انگوری بزند که در آن‌جاست و یا گفته شده که یک سیب قرمز، برایم بنداز. آیا درست است در کتاب رسمی درسی از کلمه «بنداز» استفاده شود.

ص ۲۵، افسوس که سکوت و سادگی و زیبایی روستا در ازدحام تصاویر این صفحه گم شده است.

ص ۲۸، نام درس «دنیای زیبا» است و منظور «باغ وحش» است. صفحه‌ای که



بیشتری دارد، به کار گیرند.

در این زمینه، آیا توانایی جسمی و روانی کودک ۶ ساله در نظر گرفته شده است؟

و اما از ص ۴۲: اشکال‌هایی از نظر خط و روش به جای خود که تا حدودی درباره‌اش سخن گفته شد. اما نگاه کنید «به آب آبی، آسمان آبی، دریا آبی» اگر تکیه بر «آبی» تکیه بر رنگ آبی است، که این با بی‌رنگی آب چگونه باید تفهیم شود؟

ص ۴۳، اشتباهی در تصویر، آفتاب به جای خورشید.

ص ۴۴، در کلمه‌های نوشته شده، فقط یک «ا» و سه «ر» وجود دارد و هم این که بین عبارت «بادبادک در آسمان» و خط قبل آن «باد، ابر، باران» ارتباطی دیده نمی‌شود.

ص ۴۶، برای تدریس «م-م» - استفاده از «پرچم و مدیر» چندان مناسب به نظر نمی‌آید، چرا که بین «معلم و مدیر» و یا «پرچم و میز» چنین نسبتی درست‌تر می‌باشد.

ص ۴۸، درس «ا ه ه»، یکی از درس‌هایی است که یادگیری‌اش برای دانش‌آموزان به دلایلی و از جمله چهار شکلی بودنش، نه تنها ساده نیست، که تا حدودی دشوار است و آن وقت در این کتاب در هفتمین درس مطرح شده و این نشان می‌دهد که اصل از ساده به دشوار رعایت نگردیده است.

ص ۴۹، باعث تعجب است حرف «ر» که مانند «ز» از ساده‌ترین درس‌هاست (یک شکلی است) پس از صدای «ا ه ه» آمده است.

ص ۵۰، چرا در جمله «بابا تاب بست»، «را» حذف شده است، آیا ترکیب و آهنگین شدن «دست، دست، دست، بابا تاب بست» تا این حد غیرقابل تغییر است.

ص ۵۴، تصویری نامناسب، چرا که معمولاً از کنار دریا برای پیک‌نیک استفاده نمی‌شود و رفتن به آن‌جا بیشتر به منظور آبتنی و شنا و یا قدم زدن در کنار ساحل و یا بازی در ساحل می‌باشد.

ص ۵۵، برای بچه شش ساله، چرا جنگ؟ چرا خشونت و تفنگ؟ آیا حرف «ز» را با هیچ کلمه مناسب دیگر نمی‌توان آموخت.

ص ۵۶، باید توجه کرد که «ش و ش» به چند نوع نوشته شده است آن هم در یک صفحه برای اولین روز آموزش، و برای ورزش و بازی هم این‌جا و هم در چند جای دیگر فقط تصویر پسر دیده می‌شود.

ص ۵۷، در خانه‌ای با شومینه و مبلمان (طبق صفحات پیش)، برای قصه گفتن مادر بزرگ، نشستن روی زمین و آن هم روی فرش که بیشتر کهنه‌ای به نظر می‌رسد، نشانده شده است. کمی عجیب و غیر عادی به نظر می‌رسد.

ص ۵۸، در جمله‌های این صفحه مشخص نیست که صحبت از جای زندگی حیوانات است یا نوع حرکت آن‌ها؟

ص ۵۹، و باز هم شادی و ورزش و بازی ولی فقط برای پسرها!

ص ۶۱، و باز هم و باز هم شادی و بازی و فقط پسرها!

ص ۶۲، آدم برفی کیف و کفش ندارد. جمله‌ای مناسب با تدریس حرف «ف» و مرتبط با جمله‌های دیگر. اما آوردن دو حرف «پ و ف» به لحاظ نوع ادا کردن در بعضی گویش‌ها درست نیست.

ص ۶۳، ناهماهنگی جمله‌ها با هم «ملخ بر شاخه درخت»، و در جمله‌ای دیگر «خانه خرچنگ کنار رودخانه است».

ص ۶۴، اشتباهی بین تصویر و متن. «پدر قوری و استکان را به اتاق می‌آورد.» در حالی که در تصویر قوری روی سماور است و نه در دست پدر.

ص ۶۵، فاقد الگوی مناسبی از نظر جمله‌سازی «بلبل بر گل، لک‌لک در لانه،

باور کنیم که بچه‌ها مسخره نیستند، آدم‌های بزرگی هستند با ابعادی کوچک،

درکی عمیق دارند،

ادبیات نمی‌دانند،

عروض و قافیه، فعل و فاعل را نمی‌شناسند،

اما حسی دارند که به راحتی با هر نوشته‌ای ارتباط

برقرار نمی‌کنند.

فیل در جنگل، ملخ بر شاخه»

ص ۶۶، در این صفحه حرف «ج» تدریس شده است، اما کلمه‌ای که در همه خط‌ها تکرار شده شالیزار است که در آن «ج» وجود ندارد.

بخش سوم نشانه‌ها: (ص ۷۱ - ۱۲۳)

از یازده شعر این بخش، غیر از یکی دو شعر مناسب، در بقیه شعرها، همان کاستی‌های شعرهای بخش اول وجود دارد و متن‌ها نیز هم‌چنان غیر ادبی و فاقد جذابیت است. در جاهایی از کلمه‌هایی نامأنوس که دارای نوعی کهنگی است، استفاده شده است. ناهماهنگی انتخاب کلمه با توجه به هدف آموزشی حرف مورد نظر، نیز دیده می‌شود. چنان‌که:

ص ۷۱، «آسمان صاف و آبی دریا» ترکیبی نامناسب برای کلاس اول. متنی که در آن دانسته‌ها و ندانسته‌های دانش‌آموز بدون رعایت، ارائه گردیده است.

ص ۷۵، برای تدریس تشدید، از کلمه‌های بزاز، دکان، قناد استفاده شده است که نشان از عدم توجه به واژگان پایه فراگیران دارد.

ص ۷۸، باز هم تکیه بر پدر و مادر. به راستی چه قدر این نوع آموزش می‌تواند مؤثر باشد؟

در ضمن کلمه‌ی «لبخند» در دو صفحه ۷ و ۷۸ به دو صورت نوشته شده است «لب‌خند»، «لبخند»

ص ۷۹، دانش‌آموز باید متنی را با حدود ۶۰ کلمه که در آن هیچ مطلب و سوژه جالبی هم وجود ندارد، بخواند تا حرف «ذ» را در سه کلمه (آذر، لذت و دل‌پذیری) بیاموزد.

ص ۸۲، باز هم شعری دیگر، به نام «نسیم» که، بابای او باد معرفی شده و معلوم نیست چرا مادرش باد نیست!

«بابای خوبش، آقای باد است. جایش همیشه، در آسمان است»

در حالی که ما در روی زمین نسیم را در حرکت بسیاری از چیزها، از جمله برگ‌ها می‌توانیم ببینیم!

ص ۸۳، در این درس هم، کاستی‌های دریا و سفر وجود دارد و در حالی که وجود کلمه‌های (شهاب، مهتابی، نگاه، ناگهان، ستاره‌ها، هم، چیزهایی) این تصور را پیش می‌آورد که هدف آموزش «ه. ه. ه» بوده نه «ث» با سه کلمه «ثریا، مثل، ثانیه»

ص ۸۷، درسی مربوط به حرف «ع» با کلمه‌های «علی، معصومه، معلم، جمع، شروع) در متنی که درس‌های اخلاقی را در قالبی خشک و تکراری برای بچه‌های پرسشگر امروز مطرح کرده است. این همه به ما گفتند، چه شد؟ (کتاب در دست بررسی خود شاهد گویایی است). بچه‌ها آن چه را که ما می‌کنیم باور دارند، نه آنچه که می‌گوییم.

شده است؟ وقتی با حدود ۱۰۰ کلمه و ۳۰ جمله، قرار است حرف «غ» با کلمه‌های (مرغابی، غمگین، غصه، جغد، کلاغ) تدریس شود. آیا در اسفند ماه پس از ۶ ماه مدرسه آمدن، گنج‌نیدن این همه کلمه در یک متن و فقط با یک تصویر، آن‌هم نه برای روان‌خوانی، با هدف آموزش یک حرف نامناسب و خسته‌کننده نیست؟ آیا این همان گردابی نیست که بچه‌های ما در آن دست و پا می‌زنند باید بخوانند و بنویسند، بی‌هیچ انگیزه و لذتی و در نهایت به صندوقچه‌هایی بدل شوند پر از دارایی و بی‌هیچ سودی و از طرفی نمی‌دانیم ارزشیابی از این کتاب به چه روشی است و چماق نمره چه می‌شود؟

ص ۱۱۶، ناهماهنگی انتخاب کلمه با توجه به هدف آموزشی حرف مورد نظر، در درس «مبعث»، ۹ کلمه (عید، مبعث، کعبه، علی، بعد، عمو، بعضی، عبارت، دعوت) آمده است و ۳ کلمه از ظ (ظلم، حفظ، منظره)، در حالی که هدف تدریس «ظ» بوده است.

ص ۱۱۷ هم چنین کلمه حفظ در عبارت «عمویش، پدر حضرت علی(ع) او را حفظ و نگهداری کرد» چندان مناسب نیست.

ص ۱۱۹، با این شعر، که باز هم به یکی از فرازهای شعری این کتاب می‌رسیم!!! «دعا برای مادرم، دعا به شادی بابا» شعری است که در آن کلمه‌ای مثل دعا این‌همه تکرار شده است می‌توان آن را به دنبال درسی آورد که حرف آن تازه تدریس شده است. یعنی پس از تدریس «ع»

بخش چهارم روان‌خوانی (ص ۱۲۵-۱۲۸)

می‌دانیم که موضوع متن‌ها و جذابیت آن‌ها می‌تواند تأثیر به‌سزایی در ایجاد حوصله و شوق خواندن داشته باشد و سبب با علاقه خواندن و مهارت در خواندن کودک شود، پس می‌بایست این متن‌ها با دقتی بیشتر انتخاب می‌گردید.

در قسمت‌هایی تلاش شده است تلفیق از شهر و روستا با گرایش بیشتر به جامعه شهری ارائه شود ولی به طور کلی موفق نیست و تصنع آن کاملاً آشکار است.

ص ۱۲۵، تصویری از ایران که برای بچه شش ساله هیچ گویا نیست، حتی اسم شهرها هم بر روی آن نوشته نشده تا کمکی به خواندن دانش‌آموز باشد. ایران با این همه گستردگی و این همه دیدنی در قالب یک تصویر گنگ و با حدود ۱۵۰ کلمه.

ص ۱۲۶، بی‌ارتباطی متن و عنوان. صحبت از دنیای ما و عظمت آفرینش است در قالبی خشک، بی‌روح و کلیشه‌ای. در عبارتی آمده است «دنیای ما پر از حیوانات ریز و درشت» که کلمه‌های مناسبی برای حیوانات نیست.

ص ۱۲۷، باز بی‌ارتباطی عنوان و متن، عوض شدن مخاطب که در چند عبارت و در عبارتهایی دیگر بی‌هیچ نظمی این مخاطب عوض می‌شود.

و به این ترتیب دانش‌آموز، همراه این کتاب، بر اولین پله، بی‌هیچ انگیزه و شوقی و بی‌هیچ دستاورد شیرینی پای می‌گذارد و تاوان آموختن بدون کشف و لذت را در سال‌های بالاتر، در قالب بی‌رغبتی نسبت به درس‌های ریاضی و انشاء می‌پردازد، چنان‌که بسیار برخورد کرده‌ایم با بچه‌های گریزان از مسئله (از کلاس سوم به بعد) که اگر صورت مسئله را برایشان بخوانند و توضیح دهند، قادر به حل آن خواهند بود. و آن‌چه برای آن‌ها نامأنوس و گنگ است، خواندن معنادار است، که اگر در پایه‌ی اول روان‌خوانی به عنوان بخشی دلپذیر و معنادار و مناسب با ذهنیت کودک مطرح شده و مورد توجه قرار گیرد، به طوری که کودکان خواندن را لذتبخش و مایه شادمانی ببینند، در بزرگسالی به مشکلاتی از این دست دچار نشده و این‌گونه با خواندن و آموختن بیگانه نبوده و ضرورت آموختن برای زیستن را درک می‌کنند.

دانش‌آموز،

همراه این کتاب، بر اولین پله.

بی‌هیچ انگیزه و شوقی و بی‌هیچ دستاورد شیرینی

پای می‌گذارد و تاوان آموختن بدون کشف و لذت را

در سال‌های بالاتر،

در قالب بی‌رغبتی نسبت به درس‌های ریاضی و انشاء

می‌پردازد

ص ۸۹، «من مهربانم با دوستانم، دوستانم، من مهربانم» شما بر روی این چه اسمی می‌گذارید؟

باور کنیم که بچه‌ها مسخره نیستند، آدم‌های بزرگی هستند با ابعادی کوچک، درکی عمیق دارند، ادبیات نمی‌دانند، عروض و قافیه، فعل و فاعل را نمی‌شناسند، اما حسی دارند که به راحتی با هر نوشته‌ای ارتباط برقرار نمی‌کنند.

ص ۹۰، در سه صفحه «ا» استثنایی تدریس شده است با کلمه‌های (نوروز، جو، نوبت، دوباره) و در قالب چهار فصل، حدود ۱۱۰ کلمه، که نمی‌دانیم دانش‌آموز، باید همه این‌ها را بخواند و بنویسد یا فقط نگاه کند و ورق بزند.

ص ۹۳، پس از درس ۱۱۰ کلمه‌ای چهار فصل، حالا نوبت شعری برای ۱۲ ماه رسیده است با ۱۲ بیت و مصرع‌هایی مانند («خرداد آید پیایی میوه‌های گوارا» و یا «مهر آرد برگ ریزان»)

ص ۹۵، موضوع متن جالب است ولی افسوس که در چنین مواردی هم، دانش‌آموز باید ۲۴ جمله را بخواند متنی به این بلندی! تازه در جایی از متن، فعل‌ها مفرد است مانند: «حلزون را دیده‌ای؟» «کدامش را دیده‌ای؟» و در قسمت دیگری به علتی که پیدا نیست فعل‌ها جمع می‌شده مانند «قدم بزنید»، «حلزون می‌بینید؟» و تصویر متن هم دارای اشتباه است، به اندازه‌ی حلزون و کاهو توجه کنید و همه‌ی این‌ها برای تدریس حرف «ح» است با کلمه‌های (حلزون، حیوان، حرکت، حال، احساس، صبح).

ص ۹۸، اگر آن‌گونه که در بالای صفحه قید شده، فقط برای خواندن شعری است، قسمت خالی به چه منظور در این صفحه وجود دارد؟

ص ۹۹، تدریس حرف «ض» با کلمه‌های (حوض، وضو، رضا، مریض). بی‌ارتباطی متن و عنوان با تصویری که زیبا نیست، متنی که بلند است و کلیشه‌ای و با نکات تربیتی مستقیم که عموماً بی‌اثر است.

ص ۱۰۲، شعری است که تا حدودی مناسب است چون بر روی آن آهنگی گذاشته شده، برای بچه‌ها آشنا تر و جذابتر است.

ص ۱۰۳، تدریس «خوا» متنی طولانی، بدون تصویری مناسب و یا تصویری از قرآن یا شاهنامه.

ص ۱۰۶، در این شعر هم باز تکیه بر حضور پدر و مادر.

ص ۱۰۷، در ۱۲۵ کلمه این درس، چهار کلمه «خاطرات، حیات، طولی، وطن» گنج‌نیده شده به منظور تدریس «ط» و بدون این که دانسته‌ها و ندانسته‌های دانش‌آموز رعایت شده باشد. تصور بچه شش ساله از «تبعید، شعار، فجر، شاه» و... چیست؟

ص ۱۱۲، داستان زیبا و قشنگی است، اما به چه هدفی در این قسمت آورده